

دکتر کورش صالحی *
استادیار گروه تاریخ
دانشگاه سیستان و بلوچستان

فصلنامه مطالعات شبه قاره
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۰
(صص ۸۰-۵۵)

بررسی تغییرات ماهوی فتوح اولیه هند و فاتحان مسلمان

چکیده

با گسترش اسلام در سرزمین ایران، فاتحان مسلمان در پی فتوح دیگر به سرزمین های جدیدی دست یافتند که از نظر دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با سرزمین هایی که تا آن روز فتح کرده بودند، متفاوت بودند. یکی از این ممالک، سرزمین هندوان بود. اگر چه از دوره خلیفه دوم حملاتی برای فتح هند توسط سرداران اسلامی صورت می پذیرفت اما ورود اسلام به طور عام و برای ایجاد ساختار سیاسی به سرزمین های شمال غربی هند، واقع در ایالت سند در دوره ولید بن عبدالملک آغاز شد. این تحقیق با طرح این مساله که تفاوت زمانی از صدر اسلام و همچنین رویارویی مسلمانان با مردمانی به غیر از مردمان حکومت های در حال افول نظیر ساسانیان که روند افول حکومت و دین شان از مدت ها پیش آغاز شده بود، فضای تاریخی بحث را رقم می زند. ماهیت فتوح هند هم به دلیل تفاوت نگرش امویان با خلفای راشدین و هم تفاوت جغرافیایی و ساختار محلی و منطقه ای که هند نسبت به سایر نقاط فتح شده توسط مسلمین داشت، متمایز بود. این تحقیق بر این فرض است که شکل و ماهیت فتوح سرزمین های فتح شده در شمال غربی هند از نظر نظامی، اقتصادی، دینی و اداری با دیگر سرزمین های فتح شده متفاوت بوده است و موج اصلی این فتوح که از دوره

*Email:salehi@Lihu.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۱

ولید بن عبدالملک آغاز شده بود و محمد بن قاسم ثقفی مجری آن بود تا تشکیل حکومت- های مستقل شرق خلافت از جمله صفاریان دست نخورده باقی ماند. در این دوران شکل اداره این سرزمین و چگونگی استقرار مسلمین در این نواحی همراه با وقایع توام با جنگ و مصالحه میان هندوان و مسلمین به صورت یک نواخت ادامه داشته است.

کلید واژه ها: سند، هندوستان، فاتحان مسلمین، محمد بن قاسم، حجاج بن ابی یوسف

ثقفی.

مقدمه

هندوستان از زمان‌های بسیار دور با ایران و شبه جزیره عربستان دارای روابط گسترده بوده و اکثر اقوام و مردمان ساکن این نواحی با هند و بسیاری از دست آوردهای آن آشنایی داشته‌اند. هندوان و بخصوص ساکنان سند دارای تمدنی کهن با قدمتی چند هزار ساله بودند. پس از ورود اسلام به ایران، این کشور پل ارتباطی بین هندوستان و دیگر مناطق و مراکز اسلامی گردید. فتح سند و ورود بسیاری از مسلمانان و استقرار دائمی آن‌ها در سند، زمینه تعامل بیشتر آنان و هندوان را فراهم ساخت. با استقرار مسلمانان در سند، این منطقه با دمشق، بغداد و دیگر مراکز سیاسی و علمی آن روز دنیای اسلام، ارتباط برقرار کرد و به این ترتیب سند، پل ارتباطی هند با دنیای اسلام گردید. لشکرکشی مسلمانان به هند و تصرف سند، روند تبادل دست آوردهای علمی و فرهنگی را افزایش داد. ایجاد این ارتباط از چند راه و در دو زمان اتفاق افتاد. ارتباط دریایی و تجارت که یکی از مسیرهای جاده‌ی ادویه بود برای هندوان و اعراب از زمان‌های گذشته برقرار بود. فتوح اولیه مسلمانان در ایران که اکثر ایالت‌های این کشور را در بر گرفت به تدریج سرزمین‌های اطراف رودخانه‌ی سند رسید. در این مرحله گسترش اسلام به معنی ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی در این نواحی به دلایلی اتفاق نافتاد و تنها مراکزی در اطاعت مسلمین باقی ماند و حکومت‌های محلی و بومی آن به حیات خود ادامه دادند. در مرحله ثانوی فتوح مسلمین منطقه سند به تصرف کامل مسلمانان در آمد و حکومت‌های محلی آن از رونق افتاده این ایالت به عنوان

یکی از ایالت‌های خلافت اموی شد. سرزمین سند که دروازه‌ی شمال غربی هندوستان به حساب می‌آمد پای تمدن هندوان را به جهان اسلام باز کرد. این تحقیق بر این فرض استوار است که فتوح یک قرنه مسلمین در این نواحی ویژگی‌های خاصی به خود گرفت و به همین سان پیامد این فتوح برای مسلمانان و هندوان در طی این دو مرحله تغییرات اساسی داشته است و مسلمین در مرحله دوم فتوح که با سیاست امویان اداره می‌شد، بعد از نتایجی که از مرحله‌ی اول فتوح اسلامی به دست آمد، سعی در تغییر روش و رفتار کلی خود نسبت به ممالک مفتوحه هندوستان با توجه به ساختار دینی و طبقاتی جامعه هندوان، داشتند.

اولین تماس‌های مسلمانان و هندوان (دنیای تجارت)

در مورد ورود اسلام به شبه قاره هندوستان، در ابتدا تلاش مبلغین و سپس اقدامات بازرگانان عرب، در پذیرش اسلام بود. صبغهی اقتصادی و فرهنگی هم‌نوا با تحولات جاده تجارت بین‌المللی جنوبی یا جاده‌ی ادویه (Lal, 1992: 81) روابط دوستانه‌ای را از طریق راه‌های دریایی و یا معابر زمینی صورت می‌داد. با ورود بازرگانان عرب مسلمان به شبه قاره، آنان اقدام به انتشار دین خود نموده و مساجدی نیز در این منطقه ساخته تا به امور عبادی خود نیز بپردازند (مجتبایی، ۱۳۶۷، ج ۸: ۵۸۱). در نتیجه گذشت زمان و اقامت اعراب در نواحی جنوب و جنوب شرق هند، کم‌کم فرهنگ مسلمانان در هندوان اثر کرده و برخی از آنها به دین اسلام علاقمند گردیدند. با توجه به ارتباط و سکونت بسیاری از این تجار در بنادر غربی هند، ایرانیان نیز ارتباط تنگاتنگی تاریخی با هند داشتند. درمقابل نیز بعضی از هندیان به ایران و یا سرزمین‌های عربی مهاجرت کرده و به صورت دائم ساکن شده، برخی در سپاه استخدام و بقیه نیز به کارهای کشاورزی و کشتیرانی می‌پرداختند. (مبارکبوری، ۱۳۳۸: ۴۵، الالوایی، ۱۴۰۶: ۶۳)

تماس های ثانویه - توجه به ثغور

با گسترش پدیده ارتداد در جامعه‌ی اسلامی (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۸۳۵) بیم آن می‌رفت که با بیدار شدن روح رقابت قبایل، جنگ‌های بی پایان اقوام عرب، دامن‌گیر حکومت نوپای مدینه شود. از این رو مقابله با مرتدین در سرلوحه اقدامات خلیفه اول قرار گرفت. (مسعودی، ۱۳۴۹: ۲۶۲ و ۲۶۳) نزدیک شدن سپاه اسلام به مرزهای ایران و متصرفات روم در سوریه علاوه بر سرکوب مرتدین، جهان اسلام را با مرزهای جغرافیایی دیگر آشنا کرد. استراتژی بکارگیری نیروی جنگی قبایل و متوجه ساختن آنها به سرزمین‌های آباد ایران و سوریه برای جلوگیری از جنگ‌های داخلی در عربستان و گسترش اسلام، زمینه‌ای بود که اقوام و قبایل عرب را برای کسب پاداش‌های معنوی و مادی فراوان به زیر یک پرچم بسیج نمود. (آرنولد، ۱۳۵۸: ۳۵) سیاست توجه به بیرون (ثغور) که مسلمانان را از تشنگی و تفرقه‌ی قبایلی به سوی وحدت و اتحاد جامعه‌ی اسلامی سوق می‌داد در تاریخ اسلام نتایج سودمندی را عاید مسلمانان نمود. با توجه به ماهیت جریانات در قرون اول و دوم هجری این مسأله که اعراب می‌بایست سرگرم فتوح جهان بیرون باشند، بالاترین عامل در جلوگیری از بحرانهای داخلی بود. از این رو اکثر خلفا و حاکمان در جهان اسلام بر گرم بودن این کانون‌ها تاکید داشتند.

الف - فتوح اسلامی آغازین هند

شیوه‌ای دیگری که منجر به رسوخ اسلام در شبه قاره گردید، فتوح اسلامی بود. همزمان با حملات نظامی مسلمانان به شبه قاره به تدریج مردم این منطقه که با تعالیم اسلام آشنا می‌شدند به اسلام گرویده و حتی عده‌ای در سلک سپاهیان اسلام نیز در می‌آمدند. تعالیم اسلام مانند آزادی و برابری، نقطه مقابل نظام کاستی هندوان بود و این امر در نفوذ اسلام در میان آنان (طبقات فرمانبر) کارآمد شد. در سال ۱۵ه. ق مسلمانان فتوح خود را در هند در دوره خلیفه دوم از راه دریا آغاز کردند. (بلاذری، ۱۹۸۸، ۴۲۰، کوفی، ۱۴۰۳: ۷۲) اگرچه در

سر لوحه‌ی طرح‌های نظامی فتوح اسلامی، عبور از دریا و رودخانه که به نوعی احتمال شکست مسلمین را بالا می‌برد، مورد قبول خلیفه نبود، بلکه هر نوع واکنش از این نوع با سردی و فرمان عدم پیگیری از سوی خلیفه نیز مواجه می‌شد. در این زمان (۱۵۰ ه.ق)، عثمان بن ابی العاص والی نواحی عمان و بحرین لشکری به هند از منطقه‌ی بمبئی فرستاد. در واکنش به این سفر جنگی خلیفه دوم کار او را بیهوده دانست. زیرا وی بر این مسأله تأکید داشت که سپاه مسلمین هرگز جایی نرود که میان او و سپاه آب باشد (الدینوری، ۱۹۶۰: ۱۲۴). در همین زمان، حکم بن ابی العاص به برّوص و برادرش مغیره بن ابی العاص به دَبَّیل با هدف حمله به پناهگاه‌های دزدان دریایی در هند، لشکر کشیدند (کوفی، ۸۹) این حمله از طریق منطقه‌ی عمان و بحرین بود. فرمان‌های خلیفه دوم مبنی بر بسنده کردن مسلمانان به فتوح غرب رود سند. (طبری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۴۰۱ و بلاذری: ۴۲۰) دلیلی بر تغییر نوع فتوح سرزمین و برخورد با مردمان ممالک هندوستان بود. در زمان خلافت علی (ع) در آخر سال ۳۸ ه. ق و آغاز سال ۳۹ ه. ق حارث بن مُرّه عبدی داوطلبانه و با اجازه علی (ع) به همراه شماری از مسلمانان به ثغر هند رفت و اسیران و غنائم بسیار به دست آورد اما این سپاهیان به جز اندکی، در سال ۴۲ ه. ق در قیقان، از شهرهای سند، به قتل رسیدند (کوفی: ۴۲۱) در دوره‌ی معاویه ی، علاوه بر راه شرقی (مکران)، راه شمالی (کابل) برای ورود سپاه مسلمان به هندوستان باز شد. در سال ۴۲ ه. ق عبدالرحمن بن سُمُرّه، والی سیستان و مکران، در سند فتوحاتی داشت. (زکی، ۱۹۵۹، ج ۴: ۲) پس از او مُهَلَّب بن ابی صُفْره در سال ۴۴ ه. ق از راه کابل به هند لشکر کشید. (بلاذری: ۴۲۰ و هندوشاه، ۱۸۶۸: ۱۶) بعد از وی، عبدالله بن سُوّار عبدی به ثغر هند آمد و در قیقان به دست ترکان کشته شد. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۶۸) در زمان معاویه، راشد بن عمرو اَزْدی به ثغر هند رسید. وی به مکران آمده و از آنجا به جنگ قیقان رفت و در ابتدا پیروز شد اما در جنگ با قوم مید به قتل رسید. (یاری، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۹) پس او، سنان هذلی فرماندهی سپاه را بر عهده گرفت و زیاد ولایت ثغر هند را بار دیگر به او سپرد. و پس از سنان عَبّاد بن منذر بن جارود عبدی والی ثغر هند شد. (کوفی: ۸۳) وی در بوقان و قیقان جنگید (بلاذری: ۴۲۲ - ۴۲۱) و پیروز شد و قصدار را دوباره گشود. پس از چندی به سبب بحرانهای سیاسی در مرکز خلافت شام و نیز به

سبب شورشهای خوارج در جنوب ایران، فتوح سند و هند تعطیل شد. در عهد ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶ ه. ق.) در ایام حکمرانی حجاج بن یوسف ثقفی فصل تازه‌ای در تاریخ ایالت سند گشوده شد. روند این فتوح با دامنه‌ی وسیع‌تر و نیروی زیادتر انجام شد زیرا نتیجه‌ی اولین فتوح مسلمین در عرض چند دهه از نظر گسترش قلمرو و اسلام‌پذیر هندوان با توجه به شرایط عمومی هندوستان، به تدریج رو به تحلیل رفتن بود از این رو با توجه به هزینه‌ی بالای لشکرکشی به بلاد دور دست، مساله تسلط بر مبادی تجاری مناطق جنوب شرقی خلافت و توسعه کمی و کیفی قلمرو اسلام در طرح‌ریزی این مجموعه عملیات نقش اساسی را بر عهده داشت.

ب- مرحله‌ی دوم فتوح اسلامی هند در زمان خلافت ولید بن عبدالملک

در عهد ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۸ ه. ق.) در ایام حکمرانی حجاج بن یوسف ثقفی بر عراق، فتوح اسلامی جدیدی در محدوده‌ی ایالت سند به راه افتاد. سر فصل این دوره از فتوح با ناامنی‌ها و دزدی‌هایی بود که در نواحی دریایی هندوستان علیه مسلمین اتفاق می‌افتاد، آغاز شد. (کوفی: ۸۹) حجاج از داهر پادشاه سند خواست تا اموال و زنان ربوده شده را از چنگ دزدان در آورد اما او در این کار ناتوان بود. بعد از چندی، حجاج سپاهی به دیبل فرستاد، اما این عملیات به شکست انجامید (بلاذری: ۴۲۴ - ۴۲۳ و کوفی: ۸۵-۹۲). پس از این شکست، ولید، خلیفه اموی (۹۶-۸۶ ه. ق.) مخالف هر گونه لشکرکشی مجدد به هند بود و در پاسخ حجاج برای ادامه لشکرکشی‌ها در سند، به وی اعلام کرد که برای گشودن آنجا باید سلاح و نیروی زیادی صرف نمود و کشته‌ی بسیار داشت. (باری، ۱۳۸۶: ۱۷۳) حجاج با اصرار، رضایت وی را جلب کرد. (تتوی، ۱۳۷۸ ق: ۲۸-۲۷) در مرحله‌ی بعد، ایالت سند به وسیله نیروهای نظامی مسلمانان به رهبری محمد بن قاسم ثقفی تسخیر گردید و منطقه سند، شرقی‌ترین ناحیه تحت خلافت امویان گردید. (موسوی، ۱۳۷۷: ۱۲۲) توسعه قلمرو خلافت نتیجه‌ی این لشکرکشی بود. هدف آنها تسلط بر راههای تجاری و سود حاصله از آن بود و همچنین می‌توانست راه را برای تسلط مسلمین بر بخش‌های بزرگی از

هندوستان بگشاید. (یاری، ۱۳۸۶: ۱۷۱) سیاست توجه به ثغور در دوره‌ی اموی در ابتدا به دلیل بحرانهای داخلی چندان دنبال نشد اما با تجربه وقایعی نظیر بحران‌های متعدد عراق و خلافت زبیریان در حجاز، سیاست توجه به بیرون را سرلوحه‌ی اقدامات بعدی قرار داد. در عهد ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶ق) فتوحات در شرق و غرب بسرعت رو به گسترش بود. قتیبه بن مسلم باهلی ترکستان را در نوردید، موسی بن نصیر به همراهی طارق بن زیاد از جبال پیرنه عبور کرد و به خاک فرانسه قدم اسلامی گذاشت، و محمد بن قاسم ثقفی نیز شمال غربی هند را به تصرف در آورد که رهبری و هدایت این فتوح از نظر انسجام قابل توجه بود (محمود، ۱۹۷۲: ۲۰۹) از مجموع روایات چنین بر می‌آید که آرامش و ثبات سیاسی حوزه حکومت اسلامی در عهد ولید بن عبدالملک، در راه‌اندازی این لشکرکشی منظم و گسترده مؤثر بوده است. انگیزه‌های مختلفی را هم می‌توان به عنوان عوامل مستقیم تدارک این حمله برشمرد، نظیر گسترش قلمرو سیاسی اسلام و دستیابی به غنایم فراوان هند که در حملات مقدماتی پیشین به وجود آن‌ها پی‌برده بودند. از اعاده امنیت برای بازرگانان مسلمان در سرزمین سند و هند نیز به عنوان یکی از انگیزه‌های این حمله یاد شده است. (الغامدی، ۱۴۱۷: ۲۵ تا ۱۰۷)

اعزام نیروهای مازاد و بحران‌آفرین قبایل به ثغور برای ایجاد امنیت در درون هسته خلافت اسلامی و همچنین گسترش کمی و کیفی مساله‌ی فتوح در دوران حجاج و در منطقه‌ی تحت حاکمیت وی قابل توجه بود. وی به همراه سپاه اعزامی به سند، تعداد زیادی از موالی که از مخالفان وی بودند را فرستاد. (صدور عوامل بحرانزا به بیرون) و این یکی از سیاست‌های حجاج بود که در بسیاری از جنگ‌های مرزی آن را اعمال می‌کرد. (فرای، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴۱) حتی استفاده از نیروی جنگی خوارج که در جنگ و گریزهای مهلب بن ابی صفره ثقفی نیز به ثغور سیستان فراری شده بودند در طرح بسیج نیروهای عملیاتی کنج‌انده شده بود. در این عملیات بزرگ راه دور امویان، برخی از تدارکات و وسایل مورد نیاز محمد بن قاسم از جمله منجنیق که در محاصره شهرها کارایی داشت. (ابن اثیر، ۱۴۲۰، ج ۶: ۲۷۶۲) با کشتی فرستاده شدند. محمد بن قاسم در رأس این سپاه پس از چند ماه

توقف در شیراز به سوی کرمان رفت و در آنجا محمد بن هارون به وی پیوست (الحسنی، ۱۳۶۶ق، ج ۱: ۲۸ و السادتی، بی تا: ۴۶-۴۵). هدف اصلی این لشکرکشی، تصرف دیبل بود. به همین منظور پس از استقرار در اطراف این شهر، آن را به محاصره‌ی کامل خود در آورد. در همین زمان تدارکات مورد نظر از طریق دریا نیز رسید. (Haig, 1958: 2) این حمله نشان دهنده‌ی تغییر ماهیت فتوح جدید (حمله از طریق دریا که در مرحله‌ی اولیه فتوح امری بیهوده می‌نمود) در هند بوده و همچنین دلیلی بر احتیاط مسلمانان در حمله به ایالت سند بود. حمله از طریق دریا برای مسلمانان راه جدید و کم مانع‌تری به حساب می‌آمد. در برخورد اولیه، فاتحان به منظور ارباب و عبرت سایرین اقدام به ایجاد وحشت و رفتار خشن کردند. (فدائی اسپهانی، ۱۳۴۱: ۹) هنگام محاصره‌ی دیبل، داهر حاکم سند، در پایتختش، الوار به سر می‌برد. شهر دیبل با چهار تا شش هزار سرباز راجپوت و چند هزار برهمن آماده‌ی دفاع بود. (الخضری بک، ۱۹۸۹، ج ۱-۲: ۴۵۵)

بعد از این فتح محمد بن قاسم به نیروی لشکر کشید و این شهر بدون مقاومت چندانی تسلیم شد (ابن اثیر، ج ۶: ۲۷۶۳ و یعقوبی، ج ۲: ۲۴۴) پس از تصرف نیروی، فاتحان مسلمان عازم سیوستان شدند. گرچه روحانیون بودایی (سمنیان) بجهرا، حاکم سیوستان را از مقاومت بازداشتند اما حاکم نپذیرفت و شهر توسط محمد بن قاسم محاصره و فتح شد. سپاه مسلمانان توانستند غنائم زیادی کسب کنند و اما روحانیون بودایی از غارت اموالشان در امان ماندند. (کوفی: ۱۲۰-۱۱۹) پس از آن، سران و بزرگان بوده، به جنگ و گریز با مسلمانان دست زدند. به دنبال این امر کاکه بن کوتک تسلیم شد. سپاه مسلمانان غنائم فراوان به دست آورد. (کوفی: ۱۲۳) حجاج در ادامه به محمد بن قاسم دستور داد که به نیروی برگردد و برای عبور از رود سند و نبرد با داهر آماده باشد. (کوفی: ۱۲۴-۱۲۵) در همین زمان ساکنان شهر شورشیدند. اما این شورش با برخورد سریع مسلمانان و نیز تلاش روحانیون بودایی برای تسلیم شدن مردم بدون جنگ این فرصت را از هندیان سلب نمود.

یکی از مهمترین عوامل پیروزی محمد بن قاسم همکاری اقوام فرودست جامعه مانند زطها، میدها، جات‌ها و هم‌چنین بوداییان با وی بود (یاری، ۱۳۸۸: ۹۵) قبایل زط و مید از طرف حکومت سند مورد تحقیر قرار گرفته و از بسیاری از حقوق اجتماعی خود محروم بودند با محمد بن قاسم همکاری کردند. از طرف دیگر بسیاری از ساکنان سند بودایی و مخالف جنگ و خونریزی بودند آنها بدون کوچکترین مقاومتی تحت انقیاد یک مهاجم درمی‌آمدند. برخی علت این امر را رقابت بوداییان با هندوها و برهمنان دانسته‌اند. برهمنان در این زمان در سند حکومت را در دست داشتند. (Islam: 22) با رد پیشنهاد صلح داهر سپاه محمد بن قاسم بر جانب غربی رود سند و روبروی پاتخت داهر اردو زد و طولانی شدن جنگ، کمبودهایی را برای مسلمین پدید آورد. چون این خبر به حجاج رسید، او دو هزار اسب و مایحتاج لازم را برای غازیان فرستاد. (کوفی: ۱۴۰-۱۴۱) در نتیجه جنگی در رمضان سال ۹۳ ه. ق رخ داد و داهر کشته و سپاهش نابود شد و شهر به تصرف مسلمانان درآمد (خان بهادرخان، ۱۳۷۸ ق: ۲۳-۲۲) خزائن و دفاين به غنیمت گرفته شده به نزد حجاج فرستاده شدند. (بکری، ۱۹۳۸: ۲۶-۲۴) پس از فتح ارور سپاه مسلمین به برهمن آباد رفت که این شهر پس از دو ماه محاصره، تسلیم شد. (کوفی: ۱۹۹-۱۹۸) ساکنان برهمن آباد از محمد بن قاسم درخواست کردند که در قبال پرداخت جزیه از آیین خود پیروی کرده و بتخانه آنان، بازسازی و تعمیر گردد. محمد بن قاسم به حجاج نامه نوشت و از وی کسب تکلیف کرد و حجاج نیز اجازه داد. (کوفی: ۲۱۳) به نظر می‌رسد که وضعیت عمومی برهمن‌ها و فاصله‌ی این مناطق نسبت به مرکز خلافت در این رفتار تسامح‌آمیز مسلمانان دخیل بوده باشد. هم‌چنین با وجود حق فاتحانه‌ی گرفتن اسیر و بنده، دستور داده شد که صاحبان حرف و صنایع از اسارت و قتل عام در امان بمانند. (فدایی اسپهانی: ۸-۹) پیشروی‌های مسلمانان در منطقه‌ی سند ادامه داشت. در ملتان، غنائم زیادی به خصوص از بتخانه‌ی آن به مسلمانان رسید. (کوفی: ۲۴۰-۲۳۶) مسلمانان تا این زمان تا مرز کشمیر را فتح کرده بودند. (تتوی: ۳۸ و ۴۲) در این مناطق علاوه بر غنائم، جزیه و مالیات‌های دیگر عاید خلافت می‌گردید. پس از تصرف سراسر سند، محمد بن قاسم، خود را برای لشکر

کشی به مناطق مرکزی هندآماده شد. (کوفی: ۲۴۱) در این هنگام در مرکز خلافت حوادثی روی داد که باعث توقف پیشروی و پیروزی مسلمانان در هند گردید (یاری، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

با مرگ حجاج در سال ۹۵ ه.ق درگذشت و ولید، خلیفه اموی بار دیگر اختلافات درون درباری بحران‌هایی را در خلافت امویان ظاهر ساخت. اختلاف حجاج و سلیمان بن عبدالملک و قتل یکی از برادران صالح بن عبدالرحمن به دست حجاج و عوض شدن شرایط عمومی خلافت اموی، همه گماشتگان حجاج از جمله محمد بن قاسم را کنار زده و موجبات خشم و غضب خلیفه‌ی جدید را نسبت به آنان پدید آورد. فاتح سند در شهر واسط زندانی و در اثر شکنجه درگذشت. (بلاذری: ۴۲۸ و ابن اثیر، ج ۴: ۵۸۸) اکنون در همه جبهه‌ها پیشروی مسلمانان متوقف گشت. فتوح سند نیز همین سرنوشت را داشت. ترس خلیفه جدید از محمد بن قاسم بی دلیل نبود. پیشروی‌های هند و کسب غنایم و شهرت و قدرت محمد بن قاسم، اعلام استقلال وی را به دنبال داشت. فاصله‌ی نسبتاً زیاد سند تا عراق و شام نیز این مساله را تایید می‌کرد. با مرگ محمد بن قاسم، جبهه مسلمانان در سند تضعیف شده (طقوش ۱۳۸۰: ۱۳۷) و حکومت‌های محلی برهمنان در برخی از نواحی سند دوباره بر پا شد. (یعقوبی، ج ۲: ۲۵۵ و بکری: ۳۱) سرنوشت فتوح هند که تا کنار دیوار چین می‌توانست امتداد یابد، در ایالت سند خاتمه یافت. اولین تاثیر و پیامد این مساله تجدید قوای غیرمسلمانان بود و در روندی بلند مدت قبول فضای همزیستی مسالمت آمیز از سوی مسلمانان نسبت به سایر ادیان که در مقطعی کوتاه، مغلوب مسلمانان بودند را به همراه داشت. اکنون مسلمانان می‌بایست از دیدگاه صرف و فاتحانه‌ی خود دست کشیده و علاوه بر پذیرش عادات و سنن بومیان که از موقعیت بهتری نسبت به زمان فتوح محمد بن قاسم برخوردار شده بودند، با تسامح بیشتری حتی در بعضی مواقع واگذاری موقعیت خود از ترس شورش‌های هندوان اقدام کنند.

تفاوت در بنیادهای اجتماعی و اعتقادی دو جامعه

۱ - تفاوت های اعتقادی: در هندوستان بین دین اسلام و آیین‌هایی چون هندو و بودایی تفاوت‌ها و حتی تضادهای اساسی از نظر مبناهای کلی وجود داشت در حالی که در نواحی دیگر نظیر ایران یا متصرفات شرقی روم (شامات)، مسلمانان با پیروان ادیانی رو به رو گردیدند که با مفهوم وحدانیت آشنایی کامل داشتند و مشابهت‌های زیادی بین آموزه‌های دینی آنان با اسلام وجود داشت. در هند پیروان ادیان مختلفی بودند که مهمترین این ادیان بودا، هندو و جین بودند. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۶۱۶-۶۲۳-۶۲۲) منابع به گوناگونی این ادیان اشاره دارند (الالوائی: ۲۵۳-۲۵۵) ادیان اولیه هندیان همان ادیان و عقاید بدوی مانند توتم پرستی، انیمیسیم (روح پرستی) و جادوگری و پرستش مظاهر طبیعی بوده است. دین ودا قدیمی‌ترین دین هند به عنوان واسطه‌ی این دین با سایر ادیان پیشرفته‌تر، در کنار ادیان دیگر مانند برهمنیسیم، جینیسیم و مذهب بودا که به گونه‌ای اصلاح شده‌ی دین ودا بودند، قرار داشت. اساس این نحوه تفکر اولیه علاوه بر عبادت مفهوم فلسفی بر اساس ایجاد وحدت و پیوستگی دنیای فانی آدمیان با دنیای باقی خدایان بوده است (شایگان، ۱۳۷۰: ۹۸۲). اطلاعاتی که راجع به دین هندوان در منابع هم‌عصر اسلامی نیز آمده است، گوناگونی اعتقادات را ارائه می‌دهد. به طور مثال «اهل هند دارای چهل و نه مذهب هستند که برخی خدا و رسولانش را قبول داشته، برخی خدا را قبول داشته ولی پیامبران را قبول ندارند و برخی نیز هیچکدام را قبول ندارند. برخی از آنان سنگ، برخی آتش و برخی خورشید، تعدادی درخت و غیره را می‌پرستند» (ادریسی، ۱۹۵۴: ۲۵-۲۴) تفاوت تفکرات دینی و اصل توحید اسلامی با سایر ادیان هندی (چندگانه‌پرستی) گسترش و دوام اسلام را در بین مردمان بومی با مشکل روبه‌رو ساخت. خاصه که ساکنان این مناطق نسبت به ادیان اجدادی خود سرسختی نشان می‌دادند. (دورانت، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵۲) مسلمانان ناگزیر بودند خلاف روند فتوح اولیه، در شهرهای سند محلات اسلامی بزرگ دایر نمایند. بلاذری نوشته است که پس از فتح دیبل، محمد بن قاسم مسجدی در این شهر بساخت و نیز محله‌ای برای مسلمانان بنا

کرد و ۴۰۰۰ تن از آنان را در آن جای داد (بلاذری: ۴۲۷) و این مساله تنها به جذب طبقات پایین جامعه‌ی هندی به اسلام منجر شد (گودوین، ۱۳۸۳: ۴۲) و طبقات عالی‌ه‌ی هندی علاقه‌ی چندانی به پذیرش اسلام و دست برداشتن از دین، آداب و رسوم اجدادی خود، نشان ندادند و آنان با توجه به توان اقتصادی با پرداخت جزیه رضایت فاتحان را جهت حفظ دین خود کسب می‌کردند و این دلیلی بود بر طولانی شدن روند اسلام آوری هندوان.

۲- نیروی جنگی مسلمانان: مساله‌ی دیگری که پذیرش اسلام را در مناطق با مشکل روبه‌رو کرد، روحیه جهاد و مبارزه مسلحانه مسلمانان بود که با اندیشه دینی هندی‌ها که با هر گونه خشونت و جنگ مخالف بودند، هم‌خوانی نداشت (Kennedy, 2001: 34) و به همین جهت موفقیت مسلمانان به خصوص در متصرفاتی که از طریق نیروی نظامی به دست آمده بود، محدود شد (یاری و نعمتی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

۳- تسامح هندوان به سایر ادیان: ساکنان شبه قاره برای پیروان سایر ادیان و عقاید و باورهایشان ارزش و احترام قائل بوده و هیچ مزاحمتی برای آنان فراهم نمی‌کردند. سنت قدیمی هند این بود که نسبت به هر اعتقاد و ستایش مذهبی سازش و بردباری داشت. (نهر، ۱۳۶۱: ۳۸۰) زندگی مسالمت آمیز و درک متقابل ساکنان هند و مسلمانان باعث پذیرش برخی از آداب و رسوم هندی توسط مسلمانان و از طرف دیگر نفوذ فرهنگ اسلامی در میان هندوها و پیروان سایر ادیان گردید. این نوع تعاملات از صیغه‌ی اندیشه‌ی فاتحانه‌ی گروهی از مسلمانان کاست که یک تغییر در نوع خود به حساب می‌آمد. اما در بین مسلمانان مردمان در رده‌هایی دسته بندی می‌شدند. جهان اسلام و جهان کفر که محدوده‌ی آن با ثغور مشخص می‌شد بعد از آن اهل ذمه در رده‌ی پایین‌تری از کفار حربی قرار داشتند که چون بر اساس قرارداد با فاتحان مسلمان امنیت آنها بر حکومت اسلامی بود. اهل ذمه نیز در رده‌های متفاوتی مانند اهل کتاب، صابئین و زرتشتیان و... بودند. اصل توحید بر اساس باورداشت مسلمانان تعیین کننده رده‌های مختلف مردمان در مواجهه با اسلام بود از این رو تفاوت زیادی با اصل تسامح هندوان نسبت به ادیان دیگر داشت.

۴- نظام کاستی هند و ایده‌ی جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی اسلامی: وجود جامعه‌ی متشتت و نظام کاستی در هندوستان (دولاندولن، ۱۳۷۰، ج ۱: ۶۲-۶۳) که در طول تاریخ جامعه‌ای طبقاتی داشته و به طور عام بر پنج طبقه استوار شده‌اند، نیز ماهیت ساختار تحولات درونی هندوستان و به تبع آن برخورد هر گونه فاتح فرا رسیده از راه را به دنبال داشت. در این تفکر طبقاتی، طبقه اول قدیسن و روحانیان بودند. اعتقاد به قوای مرموز غیبی و مذاهب ابتدائی مانند روح پرستی و آنمیسم در هند رواج داشت. براساس این باورها، مردم احتیاج به افرادی داشتند که پاسخ‌گوی آنان در مورد ارواح شرور و خبیث باشند تا آنان را در پناه قدرت معنوی خویش قرار داده و یاری رسانند. این افراد پر قدرت همان برهمن‌ها یا روحانیون ادیان هند بودند که طبقه‌ای برتر را در میان مردم هند تشکیل می‌دادند. آریایی‌ها طبقه‌ی دوم در هند بودند. مهاجرت آریایی‌ها به هند، باعث کنار زده شدن اقوام بومی از قدرت شد. آریایی‌ها حکومت را در خاندان خود موروثی نمودند. (ارشاد، ۱۳۷۹: ۱۰۵ و نهرو، ۱۳۴۶، ج ۱: ۶۶) طبقه سوم، گروه کشاورزان بودند. طبقه چهارم، گروه صنعت‌گران بودند که این طبقه را در ردیف غلامان و بردگان قرارشان داده بودند. طبقه پنجم دراویدها بودند که این طبقه مردمان غیر آریائی، پیش از هجوم آریایی‌ها، جزء مردمان بومی آن سرزمین به حساب می‌آمدند و بعد از مهاجرت آریاییها به پایین‌ترین طبقه مبدل شدند. در باورهای هندویی، روان بی‌آغاز و انجام جهان را برهمن گویند که وجود او را سه تثلیث تشکیل می‌دهد است. نخست برهما که پدید آورنده است. دوم ویشنو که نگاهبان موجود است و سوم شیوا که نیروی مخرب جهان است. در مکتب هندویی آدمیان از نظر مقام و عنوان و عظمت، یکسان نبودند و این عدم تساوی مربوط به خلقت و پیدایش آنان است، که در قدیم به چهار طبقه تقسیم شدند و هر یک از طبقات دارای کاست از نژاد ویژه‌ای می‌باشند. برهمن‌ها که عالی‌ترین طبقه‌اند، از سر منو پدید آمدند و پادشاهان و امراء و پهلوانان از دست‌های او خلق شدند و پیشه‌وران و کشاورزان از رانش زاده شدند، و طبقه چهارم که گروه دراویدها باشند از پای او متولد شدند و این طبقه چهارم دراویدها به هیچ عنوان اجازه ندارند که در طبقه غیر خود راه یابند (البیرونی، ۱۴۰۳: ۷۰) این ساختار شکننده‌ی طبقاتی تاثیر زیادی در روند و روش برخورد با فاتحان مسلمان داشت. گروه

زیادی از طبقات پایین که کمترین امتیازات را داشتند در مراتب گوناگون از سکوتکردن تا کمک فاتحان بودنرا پیشه خود ساخته و در آیندهی نزدیک به دین فاتحان که امتیازات بیشتری به آنان می‌داد، در آمدند.

۵- تغییرات فتوح اسلامی از ایده‌ی گسترش اسلام تا توجه به عوامل مادی: تغییر نسبی ماهیت انگیزه فتوح اسلامی از جهاد برای گسترش دین اسلام به تفکر گسترش متصرفات که بر دلایل اقتصادی تاکید داشت، دوره دوم فتوح اسلامی را به شکلی دیگر مجسم نمود. (Berzin, 2003: 3) هندوان بعد از فتوح ثانویه مسلمین بیشتر به پرداخت جزیه علاقه نشان دادند تا پذیرش اسلام و این مساله می‌تواند از چند بعد مورد توجه قرار گیرد. (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۳۵) اول اینکه ثروت هندوستان در کف طبقات عالیه بود و این مهم امکان پرداخت هر گونه خراج و مالیات را به این فرادستان می‌داد تا در سایه‌ی آن حافظ دین و رسوم اجدادی خود باشند. دوم اینکه امویان علاقه‌مند اسلام‌آوری غیر عرب نبودند زیرا با این روند میزان درآمد مالی دیوان به شدت کم می‌شد، از این رو در ایالت‌های دوردست ایران مانند خراسان بزرگ و همچنین متصرفاتی که بعد از فتح فرا-رود(ماوراءالنهر) به دست آمد، چه از مردمانی که اسلام آورده بودند و چه از کسانی که اسلام نیاورده بودند، جزیه را مطالبه نمودند. از این رو، انگیزه‌ی اسلام‌آوری مردمان ایالت‌های متصرفی در مراحل بعدی اهداف کلی فتوح قرار می‌گرفت و تلاش جدی برای گسترش اسلام به عمل نمی‌آمد. (Brohi, 1986: 129)

۶- سرزمین هندوان و شهرهای اسلامی- همسایگان متفاوت: توجه مسلمین به شهر مسلمانان برای نفوذ در میان هندوان، ناگزیر از استقرار در مناطقی از هند و یادگیری زبان‌های محلی بودند. اسلام مخالف تجملات بوده و مسلمانان، زندگی خیلی ساده‌ای داشته‌اند، در حالی که هندوها تجملات را دوست داشته و هر طبقه به فراخور توان در توجه به آن تلاش می‌کرد. مسلمین به مانند تجربه خراسان بزرگ به خصوص در فرارود، در هند نیز شهرساز و شهر نشین بودند. چرا که اسلام دینی است که به تجمع و گردهمایی

مسلمانان تأکید می‌کند و این امر به توسعه تجمعات و شهرنشینی می‌انجامد، در حالی آیین هندو در شهرها جایگاه زیادی نداشت و پیروان این دین بیشتر در روستاها بودند. بنابراین از آنجا که بیشتر مردم هند ساکن روستاها بودند، اسلام نتوانست نفوذ زیادی در میان آنها داشته باشد و مهاجران و مسافران مسلمان در شهرها ساکن شدند و روستاها تا حدود زیادی از تأثیر مستقیم اسلام محروم ماندند.

مساله دیگر عدم علاقه‌ی اعراب به مهاجرت به بلاد دوردست نظیر هند بود. آنان به سرزمینهایی مهاجرت می‌کردند که از لحاظ هم‌خوانی با عاداتشان تناسبی وجود داشته و از نظر زندگی شبانی وضعیت مهیا باشد، دیدگاه هندیان نسبت به حیوانات، با عادات و وضعیت معیشتی اعراب هم‌خوانی نداشت. از سوی دیگر جمعیت کثیر هندوان مانع بزرگی بر سر راه مهاجرت اعراب بود. اکثریت جامعه‌ی هندی به دلیل ساختار طبقاتی حاکم بر آنان به وضع اقتصادی ضعیف خود زندگی می‌کردند اما اعراب فاتح به دنبال کسب زندگانی اشرافی و فاتحانه‌ی بودند که سرزمین هند چنین بستری را در درازمدت برای این فاتحان مهیا نمی‌کرد.

۷- تغییرات اجتماعی مسلمانان در هند: اعراب با پوشیدن لباس هندی و پذیرش برخی از آداب و رسوم آنان، سازگاری خود را با جامعه هند نشان دادند. مسلمانان مهاجر، محلات جدید مسلمان نشین را چون شهرهای خود ساختند و چون در احاطه‌ی هندوان بودند، دوستی پیشه کردند. به این جهت روابط متقابل به تدریج بین هندوان و مسلمانان باعث تفاهم گشته و تلاش برای یافتن شیوه‌ای جدید از زندگی آغاز گردید. (تاراچند، ۱۳۷۴: ۸۹)

اسلام علاوه بر نفوذ در مراکز زبانی و دینی هندی، بر آداب و رسوم و به خصوص نحوه پوشش هندی‌ها تأثیر گذارد. در حالی که قبل از اسلام هندی‌ها لباس دوخته شده نمی‌پوشیدند، در دوره اسلامی این نوع لباس‌ها رواج یافت. برخی اعراب به خصوص حاکمان سند، آداب و رسوم و نحوه آرایش و یا شکل لباس را از هندی‌ها تقلید می‌کردند. (جهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۴-۱۳۶ و استخری، ۱۳۶۸: ۱۵۲-۱۵۱) به تدریج حکومت مسلمانان توسط

هندیان پذیرفته شد. (Durani, 1992: 11) گروهی از هندوان که اسلام آورده بودند در حکومت اسلامی سند پذیرفته شدند. این تعامل در روش محمد بن قاسم که برای نشان دادن حسن نیت خود، یکی از اهالی دیبل را پس از آنکه مسلمان شد به کار گرفته بود، هویدا بود (بلاذری : ۴۲۷)

علل تغییرات ماهوی فتوح اسلامی هند

هندوان چند ویژگی مهم در سرزمینشان بود که در ایران و شامات این ویژگی ها کمتر وجود داشت. این ویژگی ها باعث گردید که علاوه بر مسائلی که در درون ساختار جامعه‌ی اسلامی و خلافت و همچنین تغییر نگرش خلفای بنی امیه نسبت به سرزمین‌های مفتوحه‌ی جدید اتفاق افتاد، بستر حوادث را به گونه‌ای متفاوت‌تر از آنچه مسلمین تا آن موقع با آن سر و کار داشتند، بگسترانند.

الف- اقتصاد غنی و غیردولتی که وجود حکومت‌های محلی و متکی به خود را باعث شده بود، این مساله را ثبات کامل داده بود. مهمترین ایام اتحاد هندوستان در جهان باستان با حکومت سلسله موریا بین سال های ۳۲۶ تا ۲۰۰ قبل از میلاد، سلسله گوپتا از سال ۳۲۰ تا ۵۵۰ میلادی در شمال هند و پس از گوپتاها تا قرن سیزده میلادی حکومت‌های زیادی در شمال هند با درگیری، شکست و پیروزی یکی پس از دیگری بر روی کار آمدند، رقم خورده است. (جلالی، ۳۸-۴۸) با توجه به عدم قدرتمندی این حکومت ها، جنوب هند امنیت و آرامش بیشتری نسبت به شمال داشت و سرگرم تعامل و تجارت با اعراب مسلمان و منطقه جنوب آسیا بود. در طول تاریخ، به اعتقاد مردم سایر سرزمین‌ها، هندوستان سرزمینی صاحب ثروت و کشور عجایب به نظر می‌رسید.

ارزیابی اغراق‌آمیزی از ثروت‌های هند، توأم با عوامل دیگر، مقدونیان و یونانیان را به هند کشانید. اسکندر مقدونی با عده‌ای از شاهان هند، که با یکدیگر رقابت داشتند، متحد شد. پس از آن، چاندراگوپتا سلسله موریان را بنیان گذاشت. او تمامی نواحی شمال را مطیع

نمود. نوه او، آشوکا بود که برای ایجاد وحدت و تمرکز در سرزمین هند مذهب بودا را قبول و رسمی نمود. (مشکور، ۱۳۶۹: ۳۷۶-۳۷۷) با مرگ او امپراتوری موریها متلاشی شد. در حدود سال ۱۸۷ ق.م، سلسله جدیدی به نام شونگا پدید آمد. در همین دوره، از قسمت شمال غربی هند، اقوامی شروع به حمله در داخل سرزمین هند کردند که معروفترین آن‌ها کوشان‌ها بودند. این عده در ناحیه ماورالنهر، افغانستان، پاکستان و غرب هند دولتی را با همین نام تشکیل دادند. این امپراتوری نامتجانس، اندکی پس از مرگ کانیشکا رو به ضعف نهاد، و در حدود سال ۲۳۰ انحطاط آن کاملاً آشکار گردید و در این بین امپراتوری گوپتا، پدیدار شد و قسمت عظیمی از پنجاب و سرزمین‌های هند مرکزی را به تصرف درآورد، این قلمرو از خلیج بنگال تا دریای عمان گسترده شده بود. همزمان با دوره ساسانیان، هند شمالی دستخوش هجوم هیاطله گردید. (نهر، ۱۳۶۱: ۲۳۴) به اعتقاد مورخان، تمدن هند از نظر سیاسی چندان اهمیتی ندارد. به طور نسبی در هندوستان همان گونه که از نظر گذشت، وحدتی سیاسی پایداری به جز مقاطعی از تاریخ، به وجود نیامد که قابل مقایسه با حکومت‌های باستانی هم‌عصرشان در سایر نقاط جهان باشد. ساکنان هندوستان به صورت تاریخی، بیشتر حکومت بر مبنای ایجاد بنیان‌های محلی را بر حکومت مرکزی ترجیح داده‌اند. مسلمانان بر اساس سازه‌ی حکومت اسلامی، خواهان حکومت متمرکز بودند ولی هندیان آنچنانکه از نوشتار فوق برآمد بیشتر حکومت ملوک الطوائف را تجربه کرده بودند. (سیرافی، ۱۳۸۱: ۶۴) این حکومت‌های محلی هندی که عمدتاً با یکدیگر در جدال بوده و بر تاریخ سیاسی هندوستان سایه افکنده بودند (ویل دورانت، ۱۳۷۷، ج ۱، ب ۲: ۶۶۳) از سوی دیگر خصوصیت جبلی جامعه‌ی هند با توجه به ساختار طبقات و جمعیت کثیر و سرزمین‌های وسیع دلایل ایجاد یک دولت متمرکز شرقی را (نظیر شیوه‌ی تولید آسیایی) ایجاد نمی‌کرد.

ب- تاثیر عامل جغرافیا و اقلیم و فاصله بسیار زیاد هند تا مرکز خلافت که امکان تسلط کوتاه مدت و مقطعی را به مسلمانان می‌داد (Lane poole, 1971, v1: 2). وجود دریاها و رودخانه‌های جدا کننده این سرزمین از متصرفات خلافت که چنانکه گفته شد در مرحله

مقدماتی فتوح اسلامی تاکید بر هجوم به سرزمین‌هایی بود که بین دشمنان و مسلمانان، دریا یا رودخانه‌ی بزرگی فاصله نیاناخته باشد، جغرافیای ارتباطات دریایی و خشکی هندوستان با حوضه‌ی خلافت را تشکیل می‌داد که بدون تردید این موانع طبیعی از شدت و حدت قدرت سپاه اسلام در حفظ و تداوم حضورشان می‌کاست و در مقابل به طرف مقابل امکانات دفاع و گذار از بحران فتوح اسلامی و تجدید حیات فرهنگ و تمدن بومی بعد از فروکش کردن عملیات جنگی مسلمانان را می‌داد. به صورت تجربه‌ی تاریخی، مسلمانان در فتوح نظامی خود که از طریق راه‌های دریایی و سواحل و گذرگاه‌های کوهستانی بود، شکست می‌خوردند و قادر به ماندن طولانی مدت در هند نبودند. فتوح سند و سپس سایر مناطق هند، در توالی گسترش فتوح اسلامی پس از کرمان و خراسان قرار نگرفت و هند به سرعت فتح نشد بلکه بعدها مسلمانان در چندین مرحله‌ی تاریخی سراسر حوضه‌ی رود سند را تصرف ، و به دنبال آن در دوره‌ی ترکان و گورکانیان بسیاری دیگر از سرزمین های سند و هند را فاتح شدند. این روند نه تنها به ماندگاری مسلمانان در هند نیانجامید بلکه گروهی از فرماندهان نظامی با دیدن شرایط سخت خود (به استثنای شهرها و مناطق مسلمان نشین) و هزینه‌های بالای اردوکشی ، به کسب غنیمت راغب تر شدند.

ج- آزادی‌های اجتماعی و سنتی هندوان که در دوره‌های بلندمدت تاریخی، نقش مهاجرپذیر مسامحه‌گر را ایفا کرده است. به عنوان نمونه حضور زرتشتیان مهاجر نمونه تفاوت نگرش جامعه هندی با سایر جوامع مفتوحه بود. (نهر، ۱۳۶۱: ۲۵۲) چنین به نظر می‌رسد روند مهاجرت زرتشتیان ایرانی به هندوستان دو نکته را برای محققین روشن می‌سازد. اول اینکه هند امکان می‌داد که زرتشتیان بتوانند در آن از دین خود حفاظت کنند و با استفاده از تسامح تاریخی آن به زندگی خود به دور از فشار و تحقیر ادامه دهند به دیگر سخن، برآورد زرتشتیان چنین بود که در صورت ورود مسلمانان به هندوستان و فتوح آنان، مردم و سرزمین هندوستان می‌توانند از آنان در مقابل موج فتوح اسلامی دفاع نمایند. (اشپولر، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۴۲) دوم اینکه فاصله‌ی هند تا مرکز خلافت می‌تواند به عنوان

سپری دفاعی از آنان محافظت کند و در صورت هرگونه حمله، فتح هندوستان به راحتی برای مسلمین امکان پذیر نخواهد شد.

د- تغییر در رفتار مسلمانان با هندیان: در این رابطه تغییر سیاست مسلمانان در مراحل اولیه فتوح اسلامی سند قابل توجه است. به طوری که ویرانی بتکده بودائی در دیبل توسط فاتحان خشم مردم شهر را برانگیخت و باعث شد که به سپاه محمد بن قاسم یورش آورند، ولی از این اقدام خود نتیجه‌ای نگرفتند و سپاهیان مسلمان دیبل را به قهر گشودند (بلاذری، ۴۲۵) اما در مراحل بعدی فاتحان رعایت جانب معابد و ادیان را داشتند زیرا هزینه‌ها و پیامدهای مادی و معنوی این نوع رفتار به مراتب مطلوب‌تر بود. این مساله می‌تواند ناشی از تغییر رویه‌ی مسلمانان با توجه به ویژگی‌هایی که در منطقه‌ی سند با آن روبه‌رو شدند، باشد. در هندوستان به صورت تاریخی شاید حکومت‌ها به دوام و قوام سرزمینهای دیگر نبود اما دین، ریشه بسیار قوی و مستحکمی ایجاد کرده بود. «در هیچ کشوری به اندازه‌ی هند دین این همه قدرت و اهمیت نداشت. هندیان در بند آن نبودند که چه کسی بر ایشان حکومت می‌کند و از آن‌ها بهره بر می‌دارد. آنچه نهایت اهمیت را داشت، مذهب بود نه سیاست، روح بود نه جسم و حیات اخروی بودند نه زندگی گذرنده‌ی این دنیا.» (دورانت، ۱۳۶۳: ۲۵۲)

نمونه‌ای دیگر از تمایزات، در رفتار تسامح‌گونه محمد بن قاسم با هندوان نهفته است که با اعتراض حجاج روبه‌رو شد. حجاج این نوع برخورد را باعث سستی و سوءاستفاده دشمن می‌دانست. نوع دستور حجاج واضح و روشن بود اما سرزمینی که محمد بن قاسم می‌بایست فرمان را اجرا کند با سرزمین‌هایی تا آن زمان اعراب با آن سر و کار داشتند، از هر نظر متفاوت بود. (کوفی: ۱۲۵) در ماجرای فتوح، ساکنان برهمن‌آباد از محمد بن قاسم خواستند که در قبال پرداخت جزیه از آیین خود پیروی کرده و بتخانه آنان، بازسازی گردد. حجاج در پاسخ نامه محمد بن قاسم در این زمینه دستور داد: "چون که سر در ربقه طاعت آوردند و اموال دارالخلافة بر ذمه خود لازم گرفتند. بیرون از مال بر ایشان حقی و سبیلی نباشد، اجازت کرده شد تا معبود خود را عبادت کنند و هیچ کس را از کیش خود منع و

زجر نکنند تا به خانه‌های خود به رای خود زندگانی کنند". (کوفی: ۲۱۳) به نظر می‌رسد در این موقع نگاه این فاتح مسلمان نسبت به هندوان یا بودائیان تغییر کرده و تساهل و تسامح را جایگزین برخوردهای خشونت آمیز کرده باشد (کوفی: ۲۱۰-۲۲۱). محمد بن قاسم علاوه بر اینکه از ویران کردن بتکده شهر صرف نظر کرد، این سخن را نیز بر زبان راند که «بتکده هم همچون کنیسه مسیحیان و یهودیان و یا آتشکده پارسیان است» (بلاذری، ۴۲۷) این نوع تغییر سریع در روش فاتحان با آنچه در ایران و شام انجام داده بودند، متفاوت به نظر می‌رسد.

نتیجه

روند فتوح اسلامی در هند که با ورود مسلمانان به سند آغاز شد و تا پایان دوره‌ی اموی ادامه داشت، از نظر مراحل و ماهیت نیروهای عملیاتی در دو دسته عمده قابل بررسی است. فتح عراق و ایران در این زمان، دروازه‌ی تهاجمات به بلوچستان و سند را گشود. جمعیت کثیر، تفاوت‌های بنیادین تفکر هندی با اسلام، استحکام بافت طبقاتی، وجود رودخانه‌ها، وجود حکومت‌های محلی و مستقل متکی به خود، اقتصاد پر رونق و خصوصی و وجود فاصله‌ی زیاد بین مرکز خلافت و سرزمین‌های مفتوحه هند، شرایط را برای مسلمانان بسیار سخت می‌کرد، از این رو، حملات متواتر اولیه در ایجاد مراکز مسلمان نشین تا حدودی کم نقش بود. بحران‌های سیاسی در مرکز خلافت و نیز به سبب شورش‌های پی‌در پی خوارج در جنوب ایران، سدی بین نفوذ مستقیم عاملان خلیفه و سرزمین‌های مفتوحه‌ی هندی ایجاد شد و مسلمانان ناگزیر، دست از اعمال قدرت در ولایات سند و هند برداشتند. در عهد ولید بن عبدالملک، سند به وسیله نیروهای نظامی مسلمانان به رهبری محمد بن قاسم ثقفی تسخیر گردید. در این مورد نیز سیاست توجه به بیرون (ثغور) که مسلمانان را از تشتت و تفرقه‌ی قبایلی به سوی وحدت و اتحاد جامعه‌ی اسلامی سوق می‌داد، نتایج سودمندی را عاید مسلمانان نمود. در مرحله‌ی اول فتوح تاکید بر گسترش اسلام و اسلام آوری مردمان بود. در این مرحله که در ادامه‌ی فتح مکران بود، توان نیروهای

اسلام در جهت عملیات‌های دور دست به دلیل احتمال قطع رابطه سپاه و نبود پادگان- شهرهایی نظیر کوفه و بصره در فاصله‌ی این شهرها تا هندوستان و ترس از شورش مردمان در بلاد شرقی ایران، به شدت کاهش می‌یافت. با توجه به هزینه‌های زیاد عملیات در دور دست، علازقم غنایم سرشار هند، تاکید خلفا اولیه بر حفظ احتیاط و ارتباط با جهان اسلام بود. تفاوت کلی جامعه‌ی هندی با سایر متصرفات مسلمانان نیز مانع از آن بود که پایه‌های یک حکومت مقتدر و متمرکز مطابق با الگوی اسلامی را در بلاد هند پی‌ریزی کنند. عملیات دریایی هم به دلیل عدم موافقت خلیفه‌ی دوم و قطع ارتباط سپاه با خشکی از ابتدا بیهوده به حساب می‌آمد و فاتحان تا مرحله‌ی دوم فتوح (دوره‌ی اموی) این سنت را رعایت می‌کردند. مرحله‌ی دوم فتوح چنین به نظر می‌رسد که تغییر نسبی ماهیت انگیزه فتوح اسلامی از جهاد برای گسترش دین اسلام به تفکر گسترش متصرفات که بر دلایل اقتصادی تاکید داشت، بوده است. در این دوره از فتوح و در مراحل نخستین آن خشونت و توان جنگی بسیاری از سوی مسلمانان به کار گرفته شد تا با آن بتوانند در سر زمین هندوان مراکز مهم و مستحکم مسلمان نشین بر پا نمایند. نتیجه این دوره برای مسلمین سودمند بود اما به تدریج آنان متوجه شدند که برای نفوذ در جامعه‌ی هندی راه‌کارهای دیگری مانند اصل رعایت و تسامح نسبت به سایر ادیان و آداب و رسوم هندوان در پیش گیرند. استحکام جامعه‌ی هندی، تسلط بیش از حد سازه‌ی دین بر ساختار سیاسی هندوان، پابندی به آداب و رسوم بومی، وجود حکومت‌های پراکنده و مستقل محلی، تفاوت کلی دیدگاه هندوان با دیدگاه اسلام و ساختار سخت طبقات در هند، عمده‌ترین موانعی بودند که مانع از موفقیت آنی اسلام در این متصرفات شد البته تغییر در نگرش فاتحان و پیدایش بحران‌های درون- ساختاری در حوضه‌ی خلافت نیز تأثیرات بسیاری بر این موضوع داشت.

منابع

- ۱- ابن اثیر (۱۴۲۰) **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار الصادر.
- ۲- ابن ندیم (۱۳۸۱) **الفهرست**، ترجمه رضا تجدد، تهران: نشراساطیر .
- ۳- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳) **وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی**، تهران: نشر سروش .
- ۴- ادیسی، ابو عبد الله محمد بن محمد شریف (۱۹۵۴) **وصف الهند و مایجاورها من البلاد** (مأخوذ از کتاب نزله المشتاق فی اختراق الافاق)، جمع آوری و تصحیح مقبول احمد، الجامعه ی الاسلامیه ی، علیگره هند.
- ۵- ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۹) **مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- آرنولد، سرتوماس (۱۳۵۸) **تاریخ گسترش اسلام**، ترجمه دکتر ابوالفضل عزتی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- استخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸) **مسالك و ممالک**، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۸- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶) **ایران در قرون نخستین اسلامی**، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: نشر علمی و فرهنگی. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۹- الالوایی، محیی الدین (۱۴۰۶.ق) **الدعوه الاسلامیه و تطورها فی شبه القاره الهنديه**، دمشق: دارالقلم.
- ۱۰- بکری، میرمحمد معصوم (۱۹۳۸) **تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی**، تصحیح عمر بن محمد داود پوته، بمبئی.
- ۱۱- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸) **فتوح البلدان**، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ۱۲- البیرونی، ابوریحان (۱۴۰۳) **تحقیق مالهند**، بیروت: عالم الکتب.

- ۱۳- تاراچند (۱۳۷۴) **تأثیر اسلام در فرهنگ هند** ، ترجمه علی پرنیا و عزالدین عثمانی، تهران: پاژنگ.
- ۱۴- تتوی، میر علی شیر قانع (۱۳۷۸ ق) **تحفه الکرام**، به اهتمام سید حصام الدین راشدی، حیدر آباد .
- ۱۵- جلالی نائینی، محمدرضا (۱۳۷۶) **هند در یک نگاه**، تهران: نشر شیرازه.
- ۱۶- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸) اشکال العالم ، ترجمه علی بن عبد السلام کاتب، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۷- الحسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۶۶ ق) **نزهة الخواطر و بهجة المسامع والنواظر** ، حیدر آباد دکن: نشر جامعه العثمانیه.
- ۱۸- الحضری بک، محمد (۱۹۸۹) **الدولة الاموية**، بیروت: موسسه دار الکتب الحدیث.
- ۱۹- خان بهادرخان، خداداد (۱۳۷۸ ق) **لب تاریخ سند**، تصحیح دکتر نبی بخش خان بلوچ، حیدر آباد.
- ۲۰- دورانت، ویل (۱۳۶۳) **داستان تمدن** (میراث شرقی ما)، تلخیص و ترجمه ی عزت صقری، تهران: نشر اقبال.
- ۲۱- ----- (۱۳۷۷) **تاریخ تمدن**، ترجمه ی مهرداد مهرین، کتاب اول، بخش دوم ، تهران : فرانکلین .
- ۲۲- دولاندولن، ش (۱۳۷۰) **تاریخ جهانی**، ترجمه احمد بهمنش، ج ۱، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۲۳- الدینوری، ابوحنیفه (۱۹۶۰) **الاخبار الطوال** ، قاهره: دارالاحیاء الکتب العربیه.
- ۲۴- زکی، عبدالرحمن (۱۹۵۹) **المسلمون فی العالم الیوم**، ج ۴، مکتبه ی النهضه ی قاهره: المصریة .
- ۲۵- الساداتی، احمد محمود (بی تا) **تاریخ المسلمین فی شبه القاره الهند و پاکستانیه و حضارتهم**، مکتبه النهضه الشرق.

- ۲۶- سیرافی، سلیمان تاجر (۱۳۸۱) **سلسله ی التواریخ یا اخبار الصين والهند**. تهران: انتشارات اساطیر، تهران .
- ۲۷- شایگان، داریوش (۱۳۷۰) **ادیان و مکتبهای فلسفی هند**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۸- طبری (۱۳۶۸) **تاریخ طبری**، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، تهران: اساطیر.
- ۲۹- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰) **دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی**، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۳۰- الغامدی، سعد حذیفه (۱۹۹۶) **الفتوحات اسلامیه لبلاد الهند و السند**، ریاض: مرکز الدراسات و الاعلام.
- ۳۱- فدایی اسپهانی، نواب میرزا نصرالله خان (۱۳۴۱) **داستان ترکنازان هند**، بی نا، تهران.
- ۳۲- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۶۳) **تاریخ ایران کمبریج**، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- ۳۳- کوفی، علی بن حامد ابی بکر (۱۴۰۳) **چچنامه**، تصحیح نبی بخش خان ، اسلام آباد: نشر اداره تاریخ و ثقافت و تمدن اسلامی.
- ۳۴- گودوین، ویلیام (۱۳۸۳) **هندوستان**، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: نشر ققنوس.
- ۳۵- مبارکبوری، قاضی اطهر (۱۳۳۸ ه. ق) **عقدالتمین فی فتوح الهند و من ورد فیها من الصحابه والتابعین** ، بمبئی: تجارالکتب.
- ۳۶- مجتبیایی، فتح الله (۱۳۶۷) **مدخل اسلام**، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸ ، تهران: نشرمرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۷- محمود، حسن احمد (۱۹۷۲) **الاسلام فی آسیا الوسطی بین الفتحین العربی و الترقی**، قاهره: هیات الکتاب.
- ۳۸- مسعودی ، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۹) **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ۳۹- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۹) **ایران در عهد باستان**، تهران: نشر اشراقی.
- ۴۰- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴) **آفرینش و تاریخ**، ج ۴، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- ۴۱- موسوی، جمال (۱۳۷۷) **نخستین مراحل ورود اسلام به هند**، مجله مقالات و بررسیها، دوره ۶۴، زمستان ۷۷، تهران: دانشگاه تهران.
- ۴۲- نهرو، جواهر لعل (۱۳۴۶)، **نگاهی به تاریخ جهان**، ج ۱، ترجمه‌ی محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.
- ۴۳- ----- (۱۳۶۱) **کشف هند**، ترجمه محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.
- ۴۴- هندو شاه، محمد قاسم فرشته (۱۸۶۸) **تاریخ فرشته**، بی نا، بمبئی.
- ۴۵- یاری، سیاوش (۱۳۸۶) **کارنامه نخستین فاتح مسلمان هند**، فصلنامه مطالعات و تحقیقات تاریخی، شماره ۱۶، تابستان، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۴۶- ----- (۱۳۸۸) **تاریخ اسلام در هند از آغاز تا قرن پنجم**، تهران: نشر ادیان.
- ۴۷- ----- و نورالدین نعمتی (۱۳۸۸) **گسترش نفوذ دین اسلام در شبه قاره هند (از قرن اول تا پنجم ه.ق)**، مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، بهار ۸۸، شماره ۱، اصفهان.
- ۴۸- یعقوبی، ابن واضح احمد بن یعقوب (۱۳۷۱) **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

49- Berzin , Alexander(2003) **The Umayyad Caliphate (661 - 750 CE), The First Muslim Incursion into the Indian Subcontinent**, lightly revised.

50-Brohi ,Ali Ahmad , (1986) **History on tombstones - Sindh and Baluchistan**, Sindhi Adabi Board, Jamshoro.

51-Durani, Ashiq Muhamad Khan(1992) **history of Multan (from the early period to 1849A.D) Multan.**

52- Islam ,Ershad (2001)**Islam in Sindh ,international Islamic university Malaysia.**

53-Kennedy,Hugh(2001)**The Armies of The Caliphs, Routledge , New York.**

54- Lal, Kishori Saran (1984)**Early muslims in India , New Delhi .**

55------(1992) **The legacy of Muslim rule in India , New Dehli, vi, Aditya Prakashan.**

56- Lane poole ,Stanly (1971) **Mediaval India under Mohamadan rule(A.D. 712-1764) Publishers of Scarce Scholarly Books, New york.**

57- Lari,Suhail zaheer, (1994) **A history of Sindh,oxford .**

58- Nizami, khaliq Ahmad (1981) **politics and society during the early mediaval, collected works of professor Mohammad Habib, Centre of Advanced Study, Dept. of History, Aligarh Muslim University, Aligarh.**

59- Moreland, William Harrison&Atul Chandra Chatterjee (1945)**A short history of India**